

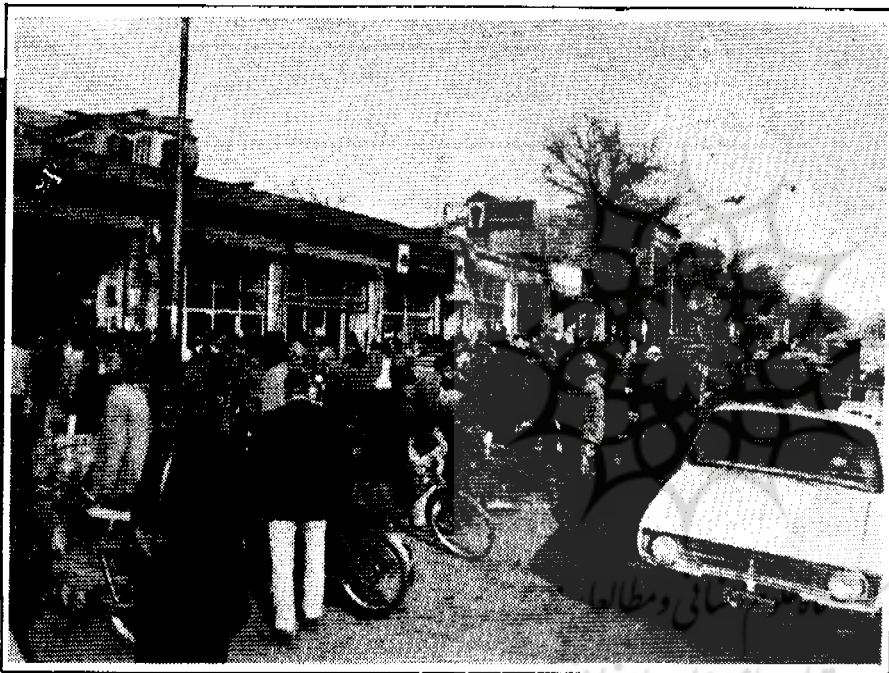
مبادله کننده مازاد کشاورزی دگرگون میگردد. تجارت خارجی در این دوره ابتدا با تداوم این نقش شهر و سپس مستقل از آن رونق پیدا میکند.

با گسترش بازار مصرف خاصه در شهرهای بزرگ، شهرها بصورت نقاط تماس با کشورهای سرمایه داری پیشرفته و مکان واردات و مبادله کالاهای صنعتی خارجی درآمدند. از این پس ساخت محصولات کشاورزی به سمت تخصصی شدن در محصولات قابل فروش تغییر نمود. افزایش تولید محصولاتی نظیر برنج، پنبه و توتون در فاصله سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۸ در این زمینه گویای این گرایش بخش کشاورزی است. گسترش روابط پولی و مبادلات تجاری در شکل تحول ساخت

ارتباط تورم شهر

وروستا

• گرچه اصلاحات ارضی به عنوان توسعه روستایی اجرا شد و اهداف آن افزایش تولید و حذف نظام ارباب و رعیتی عنوان گردید، اما تنها اهدافی که محقق نشد، موارد فوق الذکر بود. از نتایج اولیه این حرکت وابسته ساز، تقلیل فعالیتهای کشاورزی از نقطه نظر نیروی کار و تثبیت گروههای برجسته اجتماعی در روستا و تحکیم قدرت دستگاههای دولتی در مناطق روستایی بود.



رابطه شهر و روستا (۱۳۴۱-۱۳۰۰)

در آغاز روی کار آمدن رضاخان، روستاها به عنوان مکان اصلی تولید کشور و متکی به شیوه های سنتی به حیات خود ادامه می دادند و شهرها عمدتاً مراکز سیاسی حکومت و تجارت و خدمات اداری بودند.

با آغاز مدرنیزاسیون در ایران چهره شهرها کم کم تغییر می کند. اما روستا تنها غیرمستقیم و تدریجی از تحولات تأثیر می پذیرد. راه های ساخته شده در این زمان تنها مراکز شهری و خاصه شهرهای بزرگ را به یکدیگر متصل می نماید. کارخانجات و صنایع در سطح محدودی ساخت اشتغال شهری را تغییر میدهند.

سیاست داخلی رژیم در مورد برپایی یک دیکتاتوری متمرکز و نیرومند، با نظام بزرگ مالکی مغایرت داشت، به همین سبب به سرکوبی قبایل و بزرگ مالکان می پردازد.

روستا در این مرحله مرکز اصلی تولید است. به جز آنچه که در املاک بزرگ کشت می شود و مازاد تولید آن به شهرها ارائه می گردد، در قطعات

کوچکتر بطور عمده کشت جنبه زیستی و خود کفایی دارد و درآمد خانوار زارع بستگی کامل به مقدار زمین و نیروی کار موجود داشته و نوسان آن تا حد زیادی تابع آب و هوا و عوامل طبیعی است. از طرف دیگر تمام عوامل تولید از خانوار تأمین می شود و توسعه و تحولات بخش های دیگر تأثیر چندانی بر روی بخش کشاورزی ندارد. کشاورزی سنتی و خانوادگی بدلیل کمی مازاد محصول و طبیعت هزینه های تولید کشاورزی چندان تحت تأثیر تغییرات قیمت قرار نمی گیرد، این پدیده باعث ایجاد حلقه ارتباطی ضعیف بین بخش کشاورزی و بخش های دیگر است. در این زمان نقش شهر بعنوان متمرکز کننده و

اشتغال شهری و افزایش کار دستمزدی نمایان می گردد. روند مزبور با بروز جنگ جهانی دوم و اشتغال ایران متوقف شد.

محمدرضا، پس از روی کار آمدن، در همان راه گام برداشته و ایجاد صنایع را در شهرها دنبال می نماید. اهمیت روزافزونی که شهر پیدا کرد، شروعی برای از هم پاشیدگی رابطه متقابل شهرو ده میشود. کودتای ۱۳۳۲ نقطه عطف این گسستن است. زیرا، از این پس با تداوم روند مدرنیزاسیون زمینه تبدیل نفت به مهمترین منبع اقتصادی و کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات فراهم می آید. اگر تا این زمان کشاورزی می توانست بخش صادراتی ایران در

تقسیم کارجهانی باشد، از این دوره به بعد با تثبیت نقش نفت به عنوان تنها محصول، دیگر بخش کشاورزی مجال رونق نیافته و نقش القایی ایران در بازار جهانی بصورت صادرکننده نفت در می آید. این امر تأثیر مستقیمی بر روند شهرنشینی می گذارد، شهر با اتکاء به درآمد نفت به محور اصلی تحولات جامعه بدل می گردد و دیگرگر احتیاجی به مازاد اقتصاد روستایی ندارد.

جهت گیری اصلی برنامه های دولت پس از کودتا به سوی گسترش زیرساخت های صنعتی و ایجاد زمینه های مناسب سرمایه گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی بود. از نظر روند صنعتی شدن ایران، زمان آماده ساختن زمینه های

می توان به این موارد علاوه نمود. یکپارچه کردن بازار داخلی منافع عدیده ای برای تولید کنندگان محصولات صنعتی به همراه داشت.

آزاد شدن نیروی کارخوش نشینان - گروهی که با اصلاحات ارضی از هستی محروم شدند - و آمدن آنان جهت کار به شهرها و بازگشت ایشان به ده، عامل محرکی برای مهاجرت گردید و بازار کارروستایی و شهری را به یکدیگر منضم ساخت. ایجاد شرکت های سهامی زراعی باعث از میان رفتن احساس پیوستگی زمین و کشاورز و رواج دستمزد پولی در دهات گردید و امکان مقایسه بین درآمد شهر و ده را بوجود آورد. مجموعه تفاوت های عمیق شهروده، پیدایش و رشد سریع پدیده

● برای مهار تورم در سالهای قبل از انقلاب، برنامه هایی از قبیل تثبیت قیمت مواد غذایی، پرداخت سوبسید جهت حمایت از مصرف کننده به اجرا درمی آید. در حالیکه با ایجاد حمایت گمرکی بازار انحصاری برای محصولات صنعتی فراهم شده و صاحبان صنایع قادر به افزایش قیمت تولیدات خود گردیده اند، سیاست مذکور باعث ایجاد عدم تعادل در دریافت ها و پرداختهای روستایی گردیده و فقیرتر شدن او را به همراه دارد.



به فراموشی سپرده شده بودند، موجبات ایجاد دوگانگی در اقتصاد را بوجود آورد.

رشد شهرنشینی و خدمات، ساخت اقتصاد را دستخوش عدم تعادل کرده و بی توجهی به روستا و کشاورزی وابستگی مصرف به خارج را به ارمغان می آورد. روستا نقش خود را بعنوان مرکز تولید از دست داده و بصورت مصرف کننده درآمده و به شهرها وابسته می گردد. ویرانی زودرس دهات نتیجه این الگوی رشد است.

پس از انقلاب اسلامی، کشور با همان ساخت درهم ریخته روبرو است و عدم تعادل های بنیادی ناشی از برنامه های اقتصادی سابق محدودیت های بسیاری را تحمیل می کند.

ب- بررسی ارتباط تورم شهر و روستا
۱- زمینه های بروز تورم در محصولات کشاورزی

برای بررسی تورم و تأثیرات آن در روستا، با توجه به آنکه حلقه اتصال روستا به اقتصاد کشور از طریق ارائه محصولات کشاورزی و مواد خام صنعتی می باشد، لذا اثرات تورمی قیمت این

مهاجرت را پیش رو قرارداد.

مرحله دوم صنعتی شدن ایران از دوره اصلاحات ارضی آغاز و با الگوی «جانشین سازی واردات» مشخص می شود. مصرف درآمدهای نفتی در شهرها، سبب افزایش تقاضا برای کالاهای مصرفی صنعتی و خدمات و مواد غذایی شد. روندی که با فروش نفت شروع گردید، بصورت دور تسلسلی ادامه یافت و بافت اقتصادی کشور را تغییر داده، ارتباط متقابل بخش ها را برهم زد و موجبات تورم و افزایش سریع قیمت کالا و خدمات و دستمزدها را فراهم آورد.

تأکید بر تمرکز در چند قطب صنعتی شهری و استقرار صنایع سرمایه بر، در حالیکه روستاها

لازم برای تغییر ساخت دهات می باشد. چه روستا بعنوان بخش سنتی قادر به همپایی با آن نیست.

رابطه شهر و روستا ۶۳ - ۱۳۴۱

گرچه اصلاحات ارضی به عنوان توسعه روستایی اجرا شد و اهداف آن افزایش تولید و از بین بردن نظام ارباب و رعیتی عنوان گردید، اما تنها اهدافی که محقق نشد، موارد فوق الذکر بود.

از نتایج اولیه این فرم تقلیل فعالیت های کشاورزی از نقطه نظر نیروی کار و تثبیت گروه های برجسته اجتماعی در روستا و تحکیم قدرت دستگاه های دولتی در مناطق روستایی بود. گسترش بازار مصرف شهری به روستاها را نیز

محاسبات خود قرار می‌دهد. اگر ارقام را تعدیل کنیم، برای تمام نقاط می‌توان آن را ۰/۶ فرض نمود.

متوسط افزایش درآمد ملی در طول ۱۵ سال قبل از پیروزی انقلاب ۱۲/۴ درصد بوده است، که مقداری از آن بوسیله جمعیت اضافی خنثی می‌شود. بنابراین در محاسبه متوسط افزایش درآمد سرانه، درصد رشد جمعیت را از درصد افزایش درآمد ملی کم کرده، یعنی ۲/۹ درصد را از ۱۲/۴ درصد کسر نموده، عدد ۹/۵ بدست می‌آید. سپس آن را در کثرت درآمدی تقاضا (۰/۶) ضرب کرده، حاصل ضرب متوسط افزایش تقاضای سرانه محصولات کشاورزی را بدست می‌دهد، که برابر

در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ۲/۹ درصد بود، اگر آن را از رشد محصولات کشاورزی کم کنیم، رشد سرانه تولیدات کشاورزی برابر با ۱/۴ درصد بدست می‌آید.

پس از انقلاب رشد جمعیت ۳/۵۵ درصد برآورد گردیده است و لذا رشد سرانه ۰/۸۶ می‌باشد.

عامل دیگری که در افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی اثر مستقیمی دارد، افزایش درآمد ملی و بالا رفتن سطح زندگی مردم است. برطبق نظر اکثریت اقتصاددانان کثرت درآمدی تقاضا برای محصولات غذایی در کشورهای کمتر توسعه یافته زیاد است، مطالعات بانک مرکزی،

● بطور کلی پس از انقلاب شاخص عمده‌فروشی زراعت که قبلاً زیر شاخص بخش کشاورزی قرار داشت، از آن پیشی می‌گیرد و افزایش می‌یابد. اما شاخص قیمت کالاهای اساسی در این افزایش سهم کوچکی دارد و عامل اصلی بالا رفتن آن را باید در افزایش شاخص زیر بخش‌های میوه و سبزیجات و حبوبات جستجو کرد.

جدول (۲) شاخص قیمت عمده‌فروشی کل محصولات کشاورزی ۱۰۰-۵۳

سال	شاخص کل عمده‌فروشی	شاخص قیمت مواد خوراکی	شاخص محصولات کشاورزی و دامپروری
۳۸	۵۵/۲	۴۹/۲	۴۶/۸
۴۲	۵۸/۱	۵۳/۸	۴۸/۷
۴۶	۶۲/۵	۵۸/۶	۵۳/۹
۴۸	۶۵/۲	۶۰/۷	۵۵/۰
۵۰	۷۱/۷	۷۱/۴	۶۸/۲
۵۲	۸۵/۵	۱۰۳/۱	۷۹/۶
۵۴	۱۰۵/۳	۱۳۹/۱	۱۰۳/۶
۵۶	۱۳۶/۹	۲۰۳/۲	۱۴۸/۵
۵۸	۱۷۹/۱	۲۳۳/۸	۲۲۵/۲
۶۰	۲۷۹/۷	۳۸۱/۸	۳۸۶/۰
۶۲	۳۵۸/۱	۴۶۱/۰	۵۱۹/۹
۶۳	۳۸۵/	۵۱۱/۳	۵۹۱/۵

کالاهای که در روند توسعه تقاضایشان افزایش می‌یابد، مورد توجه قرار می‌گیرد.

این موضوع به مفهوم نفی اثرات قیمت سایر کالاهای و خدمات نمی‌باشد، چه با گسترش سرمایه‌داری و اتصال بازار شهر و روستا، تغییرات این قیمت‌ها، اثرات تورمی خود را در افزایش بودجه خانوار روستایی بجای می‌گذارد. طبق آمارهای بانک مرکزی ایران با جهت گیری اقتصاد به سمت تک محصولی شدن و به فراموشی سپردن نقش بخش کشاورزی، اختلاف رشد این بخش با سایر بخش‌ها فزونی گرفته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با توجه به تأکید دولت، اندک رشدی در سهم آن ملاحظه می‌گردد؛ اما بعلت کاهش درآمد نفت در تولید ملی، این رشد محل تردید است. جدول (۱)

با ۵/۷ درصد می‌باشد. طبق محاسبات قبلی افزایش تولید سرانه محصولات کشاورزی ۱/۴ درصد بوده و تفاضل این دو، عددی حدود ۴/۳ درصد را بدست می‌دهد که مبین اختلاف شکاف موجود میان عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی می‌باشد، این کمبود توسط واردات

کثرت درآمدی تقاضا برای غذا در تهران را ۰/۵۱۳ و در ۹ شهر بزرگ ۰/۵۵۴ و در ۲۲ شهر کوچک ۰/۶۱۳ و بطور متوسط ۰/۵۸ نشان می‌دهد. رقمی در مورد مناطق روستایی بعلت کمبود آمارها وجود ندارد. سازمان برنامه در برآورد خود برای برنامه سوم عمرانی عدد ۰/۸ را مبنای

جدول (۱) رشد بخش کشاورزی در طول برنامه‌ها

سال	۴۱-۴۶	۴۷-۵۱	۵۲-۵۶	۵۷-۶۲
رشد بخش کشاورزی	۴/۶	۳/۹	۴/۶	۴/۴۱

بررسی عوامل افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی مانند افزایش جمعیت و درآمد ملی نشان می‌دهد که رشد کشاورزی پاسخگوی نیازهای کشور نمی‌باشد.

نرخ افزایش جمعیت، برطبق آمارهای رسمی

تأمین شده است.

برای سالهای پس از انقلاب نتیجه این محاسبات برابر با ۵/۳۷ است، که کندی رشد تولیدات کشاورزی، به علت عدم کشش های عرضه ای و تورم، دخالت دولت را در تثبیت قیمت ها به همراه داشته است. در اکثر کشورهای درحال توسعه، افزایش قیمت مواد غذایی، اثرات تورمی گسترده ای را به اقتصاد کشور تحمیل می نماید؛ زیرا بخش عمده ای از دستمزد به مصرف خرید مواد غذایی می رسد و افزایش قیمت این مواد، باعث افزایش دستمزدها شده و بدین ترتیب قیمت سایر کالاها و خدمات نیز به تبع آن افزایش می یابد.

نگاهی به شاخص خوراک و شاخص محصولات کشاورزی و دامپروری در کنار شاخص عمده فروشی کل نشان می دهد که شاخص محصولات کشاورزی و دامپروری همواره زیر دو شاخص مزبور حرکت می کند. بطور مثال در سال ۱۳۳۸ که شاخص کل ۵۵/۲ را نشان می دهد، شاخص مواد خوراکی ۴۹/۲ و شاخص محصولات کشاورزی و دامی ۴۶/۸ است. این روند در تمامی سالهای ۵۶-۳۸ ادامه می یابد و ناشی از اتخاذ سیاست های تثبیت قیمت برای مهار تورم داخلی می باشد. برنامه هایی از قبیل تثبیت قیمت مواد غذایی، پرداخت سوبسید جهت حمایت از مصرف کنندگان از آن جمله اند. در

● برای آنکه ارتباط شهر و روستا از صورت کنونی خارج گردد، می بایست روستا رشد کافی پیدا کند تا قادر به ایجاد رابطه سالم و متقابل با شهر گردد. برای حصول به این منظور، باید گام های چندی برداشته شود از جمله: ایجاد امکانات بهره برداری صحیح از عوامل تولید، مدیریت صحیح و آموزش روش های نوین کاشت، داشت و برداشت و...

جدول (۳) شاخص قیمت در بخش کشاورزی

سال	محصولات دامی و کشاورزی	زراعت	دامپروری و ماهیگیری	گندم	برنج	جو
۳۸	۴۶/۸	۴۰/۲	۴۰/۲	۴۹/۰	۳۴/۵	۴۷/۲
۴۰	۴۸/۵	۴۰/۲	۴۰/۲	۵۱/۷	۴۵/۲	۴۳/۴
۴۲	۴۸/۷	۴۰/۲	۴۰/۲	۵۰/۹	۳۷/۰	۴۶/۰
۴۴	۵۴/۷	۴۰/۲	۴۰/۲	۶۴/—	۴۶/۶	۵۶/۷
۴۶	۵۳/۹	۴۰/۲	۴۰/۲	۴۵/۶	۵۰/۷	۵۲/۰
۴۸	۵۵/—	۵۳/۶	۵۸/۰	۴۹/۵	۴۲/۶	۴۳/۴
۵۰	۶۸/۲	۷۲/۸	۵۷/۹	۶۷/۸	۵۶/۱	۷۴/۹
۵۲	۷۹/۶	۷۸/۵	۸۲/۲	۶۲/۲	۶۱/۱	۶۴/۷
۵۴	۱۰۳/۶	۱۰۲/۵	۱۰۸/۶	۸۷/۹	۹۳/۳	۹۸/۴
۵۶	۱۴۸/۵	۱۵۱/۶	۱۳۵/۰	۱۰۰/۱	۱۳۱/۸	۱۰۵/۳
۵۸	۲۲۵/۲	۲۰۳/۰	۲۰۴/۹	۱۶۰/۹	۱۸۶/۵	۱۷۸/۹
۶۰	۳۸۶/—	۳۸۸/—	۳۷۴/۱	۲۶۰/۳	۲۲۴/۸	۲۴۹/۱
۶۲	۵۱۹/۹	۵۳۴/۳	۴۵۷/۳	۳۳۱/۴	۵۶۱/۳	۴۵۱/۱
۶۴	۶۳۳/۸	۶۵۸/۲	۵۲۸/۱	۳۹۴/۰	۷۰۹/۷	۴۸۵/۸

حالی که با ایجاد حمایت گمرکی بازار انحصاری برای محصولات صنعتی فراهم شده و صاحبان صنایع قادر به افزایش قیمت تولیدات خود گردیده اند، سیاست مذکور باعث ایجاد عدم تعادل در دریافت ها و پرداخت های روستایی گردیده و فقیرتر شدن او را به همراه دارد. بررسی اجزای شاخص (جدول ۳) محصولات کشاورزی و دامی نشان می دهد که حتی در داخل این بخش نیز روند قیمت گذاری بصورتی است که ضروریان را متوجه کشت کنندگان کالاهای استراتژیک نموده است.

در بررسی شاخص قیمت عمده فروشی گندم ملاحظه می گردد که با افزایش شاخص کل بخش،

سیاست قیمت گذاری محصولات کشاورزی بررسی شاخص عمده فروشی در طی سالهای ۳۸ الی ۶۴ نشان دهنده نرخ افزایشی آن است. جدول (۲)

شاخص کل در طی سالهای ۳۸ الی ۴۲ رشد آهسته ای دارد، این سالها مقارن با برنامه عمرانی دوم و استقرار از صندوق بین المللی پول می باشد. در طول سال های ۴۷-۴۲ برنامه های سوم- صدور نفت به عنوان منبع تأمین احتیاجات- رشد شاخص بیشتر می گردد. در سالهای ۵۱-۴۷ برنامه عمرانی چهارم در جریان است و نرخ ها در حال ترقی دائم هستند و از سال ۵۳ به بعد در دوران برنامه عمرانی پنجم تورمی بی سابقه بوجود می آید.

این شاخص نیز تا سال ۴۶ رشد می کند، اما از این سال به بعد با متورم شدن قیمت ها و سیاست خاص دولت جهت تعدیل قیمت آن رشدش کند می گردد و با فاصله زیادی از سایر اقلام به رشد خود ادامه می دهد. پس از آن در اوج فشارهای تورمی سال ۵۳ مجدداً دولت با پرداخت سوبسید جهت حمایت از مصرف کنندگان جلوی افزایش قیمت آن را می گیرد، در حالی که اگر سوبسید به جای پرداخت به مصرف کننده به تولید کننده تعلق می گرفت، به علت عدم کشش تقاضا، تمام منافع حاصله از کاهش قیمت به مصرف کننده انتقال می یافت و تولید نیز افزایش پیدا می کرد.

در مورد برنج نیز همین روند دیده می شود، بطوری که با افزایش تقاضا، قیمت رشد می کند، اما در سال ۱۳۵۳ دولت جهت تثبیت قیمت آن از طریق وارد کردن برنج خارجی به مقابله با افزایش آن می پردازد.

در مورد محصولاتی نظیر پنبه اوضاع بگونه ای دیگر است و شاخص قیمت با افزایش قیمت در بازارهای جهانی رشد می کند و در سال ۵۳

جدول (۴) - شاخص قیمت عمده فروشی محصولات کشاورزی پس از انقلاب

۶۴	۶۳	۶۲	۶۱	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	
۳۹۹/۸	۳۸۵/۳	۳۵۸/۰	۳۱۸/۱	۲۷۹/۷	۲۳۴/۳	۱۷۹/۶	۱۴۹/۹	شاخص کل عمده
								فروشی
۶۳۳/۸	۵۹۱/۵	۵۱۹/۹	۴۳۷/۷	۳۸۶/۰	۳۰۹/۶	۲۲۵/۲	۱۷۱/۰	شاخص محصولات
								کشاورزی
۴۶۷/۱	۴۲۹/۹	۳۹۳/۳	۳۱۳/۲	۲۷۶/۷	۱۷۰/۴	۱۷۰/۴	۱۳۱/۵	غلات
۱۳۶۹/۴	۱۳۵۲/۲	۱۲۰۵/۶	۸۲۲/۱	۴۹۱/۴	۳۲۱/۷	۳۲۱/۷	۱۰۹/۷	حبوبات
-	-	۶۲۲/۳	۵۲۴/۷	۴۹۲/۷	۳۹۶/۸	۳۰۰/۲	۲۱۷/۸	میوه ها و سبزیها
-	-	۵۶۱/۱	۵۴۲/۴	۴۵۷/۷	۳۵۵/۹	۲۸۴/۲	۲۱۵/۸	سبزی تازه
-	-	۶۰۹/۰	۵۵۴/۶	۵۴۶/۱	۳۶۴/۹	۳۵۳/۶	۲۴۴/۹	میوه های جالیزی
								وبوته ای

مأخذ: سالنامه آماری - مرکز آمار ایران

سطح زیرکشت برخی از محصولات کشاورزی (هزارهکتار)

سال										نوع کشت
۶۳	۶۲	۶۱	۶۰	۵۸	۵۶	۵۴	۵۲	۵۰	۳۹	محصولات جالیزی
۴۰۰	۲۸۲	۲۵۵	۱۰۸	۱۳۰	حبوبات
۴۳۰	...	۳۴۴	۳۰۴	۱۹۸	۴۲۳	۲۱۰	۱۳۲	سبزیجات
۱۵۹	...	۱۷۰	۱۳۹	۱۱۰	۱۵۱	۶۹	۴۷	

مأخذ: بانک مرکزی ایران

... ارقام موجود نیست



میوه ها و سبزی ها رشد زیادی دارد، و از شاخص کل بخش پیشی گرفته است. نتیجه این تغییر قیمت بنفع میوه ها و سبزیجات، تغییر نوع کشت محصولات از کالاهای اساسی به محصولات جالیزی و تبدیل مزارع به باغ میوهجات می باشد. البته در مورد کشت سبزیجات این تغییر کشت بعلت نیاز به آب فراوان در زمین های آبی صورت می گیرد و با توجه به احتیاج محصول به بازارهای مصرف در مزارع نزدیک به شهرها، این امر مشهودتر است.

بررسی سطح زیرکشت محصولات تأییدی بر این نظریه می باشد.

۳- تأثیر تورم بر دریافت ها و پرداخت های روستائیان

الگوی رشد و توسعه اقتصادی رژیم سابق منجر به ایجاد تنگناهایی در اقتصاد گردید؛ که رها کردن بخش کشاورزی، پرداختن به شهرها، صرف درآمدهای نفتی در جهت واردات و کاهش انگیزه تولید در روستاها از آن جمله اند. فرآیند توسعه در ایران طی دوده گذشته، رشد سریع اقتصادی همراه با طبیعت سرمایه بر آن بوده است. این استراتژی توسعه که همراه با دوگانگی است،

محصولات کشاورزی جهت گرفت. اما در مورد گندم بعلت آنکه قوت اصلی مستضعفان جامعه است، پرداخت سوبسید ادامه یافت و قیمت نیز در سطح تولیدکنندگان افزایش یافت. این مسئله موجب گردید، نانی که روستایی از گندم تولیدی خودش تهیه می کند گرانتر از نان در شهر تمام شود. مقایسه شاخص ها نشان می دهد که شاخص عمده فروشی گندم هنوز هم با فاصله زیادی از شاخص کل حرکت می کند. در مورد برنج وضعیت بهتری را شاهدیم، زیرا اگر چه تا سال ۶۱ قیمت آن زیر شاخص است، اما از این سال به بعد بر آن پیشی می گیرد.

بطور کلی پس از انقلاب شاخص عمده فروشی زراعت که قبلاً زیر شاخص بخش کشاورزی قرار داشت از آن پیشی می گیرد و افزایش می یابد.

اما همانطوریکه در جدول ۳ ملاحظه گردید، شاخص قیمت کالاهای اساسی در این افزایش سهم کوچکی دارند و عامل اصلی بالا رفتن آن را باید در افزایش شاخص زیربخش های میوه و سبزیجات و حبوبات جستجو کرد (جدول ۴). زیرا شاخص غلات هنوز هم زیر شاخص کل بخش حرکت می کند. در مقابل شاخص قیمت

بعلت کاهش قیمت جهانی و مداخله دولت قیمت آن کاهش یافته و شاخص افت می کند.

مسئله اساسی آن است که قدرت خرید کشتکاران گندم بیش از سایر تولیدکنندگان تحت فشار دولت کاسته شده است. بطوریکه در سال ۴۹ ارزش یک کیلوگرم گندم برابر با ۱/۳ کیلوگرم سیب زمینی بوده و در سال ۵۴ به ۰/۸ کیلوگرم کاهش می یابد و علیرغم افزایش ظاهری قیمت گندم از ۷/۹ ریال به ۱۰ ریال، قیمت واقعی آن با در نظر گرفتن شاخص هزینه زندگی به ۶/۳ ریال در کیلو در سال ۵۴ نزول کرده است. نتیجه این امر کاهش قدرت خرید و درآمد کشاورزان است. زیرا هزینه های تولید کشاورزی و هزینه زندگی هر ساله با فشار تورم، رشد چشمگیری می یابد.

اثر دیگری که می توان بر شمرد عدم تمایل به سرمایه گذاری در امر تولیدات اساسی کشاورزی و انتقال منابع تولید به سمت سایر محصولات کشاورزی می باشد.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، سیاست قیمت گذاری با تغییر سیاست توسعه بنفع

شکاف در آمدی میان مناطق شهری و روستایی را عمیق تر کرد و درآمد روستائیان را کاهش داد. از مشخصات این رشد سرمایه بر گسترش سریع بخش صنعت در نواحی شهری، نرخ بالای رشد جمعیت، مهاجرت، فقدان تحرک اجتماعی و تورم است.

تورم در این ساختارسیکل تشدید کننده ای را طی می کند. رشد دوگانه بخش سنتی و مدرن خصوصیتی را از خود بروز می دهد و تنگناهای رشد را شدت می بخشد.

بخش شهری از بخش روستایی فاصله می گیرد. بروز تورم مداوم که از بافت متمرکز شهر ناشی می شود، با وجود برنامه های توسعه روستایی در آنجا هم نفوذ می کند. عدم کارایی سیستم بازار موجبات حفظ درآمد شهر و کاهش درآمد روستایی را بدنبال می آورد و جریان نقدینه را از روستا به شهر می کشاند. بدنبال محدودیت های رشد بخش کشاورزی و سیاست های قیمت گذاری آن درآمد روستائیان مداوماً کاهش می یابد و سطح بهره برداری در واحدهای کوچک بعلت افزایش هزینه تولید تنزل می کند و بمرور زمان سرمایه بخش روستایی از آن خارج و جذب سایر بخش ها می گردد.

در بخش شهری، صنایع و خدمات، شاغلین موفق به افزایش حقوق خود در مقابل فشارهای هزینه تورمی می گردند و قدرت خریدشان را حفظ می کنند. جدول (۵)؛ اما در بخش روستایی، این حرکت انجام نمی شود و یا تورم شهر تنها اثر توزیعی خود را در دهات بجا می گذارد. در نتیجه شکاف درآمدی بین دو بخش عمیق تر می شود و اگر عامل اصلی مهاجرت را اختلاف درآمد بدانیم: تشدید این پدیده از آثار آن است.

۴- بررسی هزینه خانوار روستایی

بررسی شاخص کل هزینه خانوار روستایی نشان می دهد که این شاخص از ۴۴/۷ در سال ۵۱ به ۱۵۶/۴ در سال ۵۶ می رسد و سپس شدت گرفته و به ۴۷۹/۷ در سال ۶۲ می رسد.

فشارهای تورمی که از سال ۵۳ شدت می گیرد، در رشد شاخص هزینه خانوار روستایی کاملاً مشهود است. بطوریکه در سال ۵۳، ۸۴/۵ درصد رشد را نشان می دهد و پس از آن بارشدهی مداوم افزایش می یابد و بعد از انقلاب نیز همان روند حفظ می گردد و در سال ۶۱ یکباره ۷۵/۲ درصد رشد پیدا می کند. در حالیکه هزینه خانوار شهری تحت همین شرایط چه در سال های قبل از

انقلاب و چه پس از آن کمتر از رشد شاخص هزینه خانوار روستایی است (جدول ۶).

علت را می توان ارزانتر رسیدن کالا و خدمات بدست شهرنشینان دانست و از آنجایی که روستائیان فاقد امکانات زیربنایی مانند راه و حمل و نقل می باشند، کالای تولید شده شهر را گرانتر بدست می آورند. وجود هزینه حمل گرچه امری محتوم است، اما تمام این شکاف را نمی توان بدان نسبت داد.

گسترش بازار مصرف شهری به دهات و تمرکز بازارهای عمده فروشی در یک یا دو شهر متروپل، وابستگی و پذیرفتن فشارهای تورمی خارجی، در حالیکه بخش کشاورزی و روستا دارای محدودیت های بنیادی است، عامل اصلی شدت دادن به این فشار هزینه می باشد. وجود محدودیت های بازار و یکسان نبودن ساختار آن و عدم تحرک منابع کشور، فشارهای تورمی را بصورت ناهمگون میان بخش ها منتقل می کند و نتیجه آن فقیرتر شدن روستائیان و رونق کاذب شهرهاست.

جدول ۵- شاخص مزد و حقوق صنعت و ساختمان

۶۲	۶۰	۵۸	۵۶	۵۰	۴۷	
۸۸۱/۹	۶۸۳/۴	۵۲۷/۲	۲۵۱/۴	۱۳۰	۱۰۸	شاخص مزد و حقوق صنایع
۸۲۵/۸	۵۲۳/۰	۳۰۷/۶	۲۷۵/۶	-	-	شاخص دستمزدی کارگران ساختمانی

مأخذ: بولتن بانک مرکزی ایران در سالهای مختلف

جدول ۶- شاخص هزینه خانوار شهری و روستایی

۶۲	۶۱	۵۸	۵۶	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱		
۴۷۴/۵	۳۷۶/۴	۲۲۵/۱	۱۸۶/۷	۱۴۴/۳	۱۰۰/-	۶۰/-	۵۱/۲	شاخص کل هزینه	خانوار شهری
۲۶/۱	۶۱/۶	۲۰/۶	۲۹/۲	۴۴/۳	۶۶/۷	۶/۸	-	رشد	
۴۷۹/۷	۳۸۱/۳	۲۱۷/۶	۱۵۶/۴	۱۱۶/۲	۱۰۰/-	۵۴/۲	۴۴/۷	شاخص کل هزینه	خانوار روستایی
۲۵/۸	۷۵/۲	۲۲/۸	۳۶/۲	۱۶/۲	۸۴/۵	۲۱/۳	-	رشد	